

بررسی و نقد کثرت‌گرایی دینی از منظر دکتر نورخالص مجید

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

محسن میری^۱

چکیده

اندونزی در برخی مقاطع تاریخی با بحران درگیری‌های خشونت‌آمیز میان پیروان ادیان و نیز اقوام مختلف با یکدیگر روبه‌رو بوده است که گاهی به کشته‌شدن و آوارگی تعداد قابل‌توجهی از شهروندان انجامیده است. نورخالص مجید، یکی از نخبگان فرهنگی و متفکران برجسته اندونزی تلاش کرده است راه‌حلی برای خروج از این بحران بیابد. در این مقاله، به روش کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی، طرح کثرت‌گرایی دینی وی بررسی و تحلیل شده است. طرح نورخالص با بهره‌گیری از مبانی اسلامی و نیز ارزش‌های مدرن شکل گرفته است و هدفش پایان‌دادن به درگیری‌های دینی و قومیتی و تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اندونزی است. این پژوهش ابتدا زمینه‌های تاریخی برخورد و چالش میان پیروان ادیان و مذاهب به‌ویژه مسلمانان و مسیحیان را بررسی کرده است. سپس ضمن بیان هدف نورخالص مجید از طرح کثرت‌گرایی دینی، به مبانی و مؤلفه‌های اصلی این طرح پرداخته و در پایان این دیدگاه‌ها را نقد و بررسی کرده است.

واژه‌های کلیدی: اهل کتاب، حقانیت ادیان، کثرت‌گرایی (پلورالیسم) دینی، کثرت‌گرایی اجتماعی، نورخالص مجید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

اندونزی کشوری است که بیشترین جمعیت مسلمان دنیا را در خود جای داده است و در عین حال از گسترده‌ترین تنوع قومی و فرهنگی برخوردار است و بسیاری از آیین‌های دینی مانند اسلام، مسیحیت، بودیسم، کونگ‌هوچو، آیین‌های بومی و همچنین اقلیت‌های مسلمان مانند تشیع و نیز طیف‌های مختلفی از گرایش‌ها در میان اهل سنت از تندرو گرفته تا روشنفکر و... را در خود جای داده است و به عبارتی محل تلاقی مردمان و سنت‌های فرهنگی متفاوت است (Johns and Saeed, 2004: 67; Arfa, 2014: 225). این تنوع در عین اینکه مزیت‌هایی داشته، بحران‌ها و چالش‌هایی را نیز به دنبال داشته است. برخوردهای میان مسلمانان به‌عنوان اکثریت غالب (بیش از ۸۵ درصد) و مسیحیان (حدود ۱۰ درصد) و هندوان و اقلیت‌های دینی و مذهبی دیگر از جمله این چالش‌هاست.

حضور استعمارگران پرتغالی و هلندی در این منطقه و رفتار نامناسب و تحقیرآمیزشان با مردم، فعالیت مبلغان مسیحی برای مسیحی‌سازی و حمایت‌های استعمار هلند از آنان در برخی مقاطع، بستر برخوردها را فراهم آورده است. آثار مکتوب مسلمانان و مسیحیان در اوایل قرن بیستم نشان می‌دهد نزاع میان این دو بسیار جدی بوده است. مسلمانان، مسیحیان را که تعدادشان پیوسته در حال افزایش بود، عامل استعمار هلند می‌دانستند و معتقد بودند تبلیغ مسیحیت و کلیسای‌سازی تلاش برای از بین بردن هویت اسلام و ایمان اسلامی است. از سوی دیگر، بحث پیرامون قبول یا رد حکومت اسلامی در اندونزی در سال‌های پس از اعلام جمهوری (سال ۱۹۴۵) و تأکید عده‌ای از مسلمانان بر الزام دولت به اجرای قوانین اسلامی سبب این تلقی در مسیحیان شده بود که مسلمانان قصد دارند حقوق اقلیت مسیحی را نادیده بگیرند (Husein, 2005: 90-91).

پس از سقوط رژیم سوهارتو در سال ۱۹۹۸، درگیری‌های خشونت‌آمیز میان مسلمانان و مسیحیان افزایش یافت (۱۹۹۸-۲۰۰۱) و به کشته‌شدن هزاران نفر از شهروندان و آوارگی صدها هزار نفر از محل زندگی خود منجر شد. این حوادث در شرق اندونزی به‌ویژه در استان‌های ملوک، سولاوسی مرکزی و شرق نوسا تنگارا رخ داد (Fealy and Hooker, 2006: 453; Arifianto, 2009: 73-75 و نیز ر.ک. Husein, 2005). باید بر این موارد، درگیری میان مسلمانان

با هندوها و پیروان احمدیه (قادیانیه) و نیز هجوم برخی گروه‌های سلفی تندرو علیه شیعیان در سال ۲۰۱۲ در سامپانگ را افزود که به سوزاندن خانه‌های مردم، آوارگی صدها خانواده از موطن خود و کشته‌شدن تعدادی از افراد انجامید (Sofjan, 2016: 38-42; Taufani, 2018: 21-32).

در رشد و توسعه این اختلافات و دشمنی‌ها و همچنین این حوادث، عواملی چند مانند حمایت‌های استعمار هلند در برخی مقاطع از فعالیت‌های تبشیری مسیحیان و کلیساسازی، سیاست‌های نادرست دولت و نیز جریان‌های سلفی تندرو و وهابی مورد حمایت کشور عربستان سعودی نقش داشته‌اند. دولت سوهارتو در دهه ۸۰ فضای بازی را برای فعالیت‌های جریان‌های تندرو سلفی با حمایت سعودی فراهم کرد و این روند تا پس از سقوط وی نیز ادامه و گسترش یافت. یکی از نتایج این کار، شعله‌ورترکردن آتش نزاع مسلمانان با مسیحیان در منطقه ملوک و آمبون بود. سعودی‌ها از طریق مؤسسه‌ای به نام کمپک^۱ که اهداف خود را کمک‌های انسان‌دوستانه اعلام کرده بود، کمک‌ها را در اختیار گروه‌های مذکور قرار می‌دادند، اما براساس برخی شواهد، کمک‌ها فراتر از حمایت مالی بود. دستگیری مسئول اسبق این مؤسسه در سولاوسی به اتهام همراه داشتن مواد انفجاری در فرودگاه فیلیپین توسط پلیس و نزدیکی یکی از مؤسسان اصلی کمپک به ابوبکر باعشیر (سلسه‌جنبان انفجار شهر بالی) از جمله این شواهد است (Assyaukanie, 2007: 13؛ ر.ک: میری، ۱۳۸۸).

این وضعیت نامطلوب، بسیاری از نخبگان و متفکران مسلمان را بر آن داشت تا برای این مشکل راه‌حلی بیابند. نورخالص مجید نیز از کسانی بود که با احساس مسئولیت در برابر این حوادث تلاش کرد در راستای رویکرد نومدرنیستی خود، در حل این مشکل، نقش داشته باشد. او تلاش کرد تا حدی فراتر از روش‌های متعارف و سنتی فقهی، روش‌ها و فرایندهایی را برای نقش‌آفرینی اسلام در مسائل و بحران‌های مدرن و معاصر که مسئله نبود هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یکی از آن‌ها بود، ارائه کند. او با تمرکز بر اندیشه نوتجددگرایانه خود و نیز پانچاسیلا^۱ (فلسفه حکومت اندونزی) به‌عنوان سنگ‌بنای وحدت ملی و نگاهی سلبی به جریان‌های تندرو و افراطی، تلاش کرد تفسیری از اسلام اندونزیایی ارائه دهد که با پذیرش کثرت‌های قومی، دینی،

دموکراسی و جامعه مدنی و نیز کثرت‌گرایی در ساحت‌های اخلاقی، فقهی، کلامی و فلسفی بتواند هم در تحقق صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و ادیان موجود و هم در ساخت اندونزی مدرن نقش بسزایی داشته باشد. اهمیت نقش وی در طرح و گسترش کثرت‌گرایی در اندونزی به‌اندازه‌ای است که بودی منور رحمن، یکی از متفکران نواندیش اندونزی او را موتور محرک جنبش نوسازی در اندونزی، که کثرت‌گرایی دینی یکی از مؤلفه‌های مهم آن محسوب می‌شود، دانسته است.

نورخالص افزون‌بر مباحث نظری، به همراه دوستان و هم‌فکرانش مانند دکتر احمد شافعی معارف، تلاش‌های عملی فراوانی را برای تحقق هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و استیفای حقوق اقلیت‌ها صورت داد (Basya, 2011: 42; Johns and Saeed, 2004: 67, 71-77). ایشان بحث کثرت‌گرایی را در دو عرصه بیرونی (میان اسلام و سایر ادیان) و درونی (میان مذاهب اسلامی) مطرح کرده است. این تحقیق عمدتاً به بررسی و تحلیل کثرت‌گرایی بیرونی اختصاص دارد؛ اگرچه نکات وی درباره کثرت‌گرایی درونی نیز حائز اهمیت و ارزشمند است (Madjid, 2019). (D: 1156-1159)

اهداف و پرسش پژوهش

هدف این مقاله بررسی و تحلیل کثرت‌گرایی دینی از منظر دکتر نورخالص مجید است. بر مبنای این هدف، پرسش این پژوهش آن است که مبانی و مؤلفه‌های اصلی طرح فکری او کدام است و قوت و ضعفی دارد. در طول پژوهش، هدف و روش و نیز زمینه‌های تاریخی و اجتماعی این اندیشه به‌طور گذرا بررسی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

درباره دیدگاه نور خالص درمورد کثرت‌گرایی، کتاب یا مقاله مستقلی به فارسی یافت نشد و تنها در برخی از کتاب‌ها مانند کتاب *نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی* اثر دلیار نوئر (۱۴-۲۱، ۳۶-۴۱ و ۲۰۰-۲۰۷) به تعارضات میان مسلمانان و مسیحیان اشاره شده است که یکی از زمینه‌های بحث کثرت‌گرایی در اندونزی است.

چارچوب مفهومی

کثرت‌گرایی^۱

در نگاهی کلی، کثرت‌گرایی (پلورالیسم) دیدگاهی است که تنوع میان انسان‌ها از حیث اعتقاد، دیدگاه، نژاد، قومیت، فرهنگ سنتی و آداب و رسوم مختلف را در جامعه می‌پذیرد (www.merriam-webster.com: Pluralism). این واژه در زمینه‌های مختلفی مانند فرهنگ، اخلاق، سیاست، دین و... به کار برده می‌شود و در صورتی که وصف دینی به آن افزوده شود (کثرت‌گرایی دینی) معنی حداقلی آن، پذیرش تنوع ایمانی و اعتقادی پیروان دیگر ادیان و احترام به این دو است. از آنجا که گاهی هدف اصلی موارد فوق، دستیابی به همدلی و تعامل اجتماعی مسالمت‌آمیز است، می‌توان این کثرت‌گرایی‌ها را تکثرگرایی اجتماعی نامید. در عین حال کثرت‌گرایی دینی بسته به اهداف و دیدگاه‌های مختلف در معانی دیگری مانند کثرت‌گرایی نجات و حقانیت نیز به کار می‌رود.

کثرت‌گرایی نجات

در این کثرت‌گرایی، بحث اصلی این است که چه کسانی به رستگاری خواهند رسید و اجازه می‌یابند در جهان ابدی، به بهشت وارد شوند. انحصارگرایان معتقدند تنها کسانی که به دین یا مذهب خاصی معتقد هستند، از چنین امتیازی برخوردارند. در مقابل، فائلان به کثرت‌گرایی برآند که نجات و رستگاری، منحصر به این افراد نیست، بلکه شامل افراد دیگری نیز می‌شود که چنین دین یا مذهبی ندارند؛ البته معتقدان به این کثرت‌گرایی، دیدگاه‌های متنوع و متفاوتی دارند. براساس برخی از این دیدگاه‌ها، نجات در صورتی است که فرد در دیدگاه و عمل نسبت به سنت دینی و باورهای خود، حقیقت‌محور باشد و نه خودمحور. برخی از این دیدگاه‌ها حتی پیروان مکاتب مادی مانند کمونیسم را هم از این امر مستثنی نمی‌دانند (ر.ک: لگنهاوزن، ۱۳۷۰: ۳۸-۳۹؛ مطهری، ۱۳۷۴: ۲۹۳-۲۹۴).

کثرت‌گرایی حقانیت

کثرت‌گرایی حقانیت، باور به این عقیده است که همه ادیان، سخن واحدی دارند و هرکدام از آن‌ها راهی به سوی خداوند هستند. مسیر همگی آن‌ها به سوی حقیقت است و نمی‌توان گفت

برخی بر حق و برخی بر باطل‌اند. براساس این دیدگاه تمامی این ادیان وحدت باطنی دارند و تفاوت‌ها تنها در ساحت‌های ظاهری است و تفسیر و تعبیرهای متفاوت این‌ها از حقیقت، منافاتی با وحدت هدف و مقصد ندارد. پیروان فلسفه سنت‌گرا^۱ (حکمت خالده) همچون رنه گنون و فریتیوف شوان از صاحب‌نظران برجسته این دیدگاه هستند. (لگنهاوزن، ۱۳۷۰: ۱۱۲-۱۲۰؛ Husaini, 2006: 38-39). روشن است این باور به این کثرت‌گرایی نجات و حقانیت، برخی موارد از معنی حداقلی پیش‌گفته را نیز به‌طور ضمنی دربردارند (Audi, 1996: 624-625; Madjid, 2019 D: 1155).

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

انسان به‌ضرورت یا فطرت موجودی اجتماعی است و باید زیست خود را براساس ارتباط با دیگر انسان‌ها تنظیم کند و با آنان در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، دینی، علمی و... هم‌زیستی و تعامل داشته باشد. این هم‌زیستی زمانی مسالمت‌آمیز خواهد بود که عوامل اختلاف‌زا مانند دین، مذهب، نژاد، ملیت، قبیله، جنسیت و... تأثیری منفی بر این ارتباطات اجتماعی نگذارد. هم‌زیستی مسالمت‌آمیز طیفی است که در یک سوی آن هریک از گروه‌ها و افراد به دیگری به عنوان فرصت و ظرفیت می‌نگرد و سعی می‌کند از طریق تکریم، احترام، محبت، احساس هم‌گرایی، هم‌دردی در مصائب، تنظیم برقراری روابط عادلانه، عفو و بخشش، مساعدت و ازخودگذشتگی، انجام کارهای مشترک و... در برابر افراد و گروه‌های دیگر اجتماعی بتواند به میزان بالایی از رضایتمندی و اهداف معقول فردی و اجتماعی دست یابد. در سوی دیگر این هم‌زیستی، گروه‌ها و افراد رابطه عاطفی گرمی با هم ندارند و گاهی احساس تنفر نیز دارند و میان آنان منازعات و رقابت‌ها و کشمکش‌هایی برای دستیابی به امکانات و قدرت وجود دارد، ولی با هم زندگی می‌کنند و به جنگ با یکدیگر نمی‌پردازند؛ چراکه عواقب ناگوار آن گریبان‌گیر همه خواهد شد. درمقابل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، هم‌زیستی‌ای است که با جنگ، خشونت، نفرت، قتل، ناامنی و... همراه است (Madjid, 2019 D: 1155؛ علیخانی، ۱۳۹۲: ۳۳-۲۸).

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و این پژوهش بر تحلیل محتوای نوشته‌ها و سخنرانی‌های نورخالص مجید و برخی صاحب‌نظران دیگر تمرکز دارد. ابزار پژوهش نیز منابع کتابخانه‌ای است. براساس این روش، در این پژوهش ابتدا به تحلیل و توصیف گزاره‌ها و مطالب ناظر به دیدگاه‌های کثرت‌گرایانه نورخالص و سپس به نقد و بررسی اجمالی این دیدگاه‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در سه بخش سامان یافته است که ناظر بر ضرورت کثرت‌گرایی، میانی نظری و بررسی و نقد است.

الف) ضرورت کثرت‌گرایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

با توجه به اهداف پیش‌گفته، نورخالص مجید ضرورت کثرت‌گرایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را از طریق استدلال‌های ذیل تبیین کرده است:

الف) نشان‌دادن جهات مثبت و ظرفیت‌آفرینی‌های کثرت‌گرایی و نیز پیامدهای ویرانگر نزاع و دشمنی میان گروه‌های مختلف که نمونه‌هایی از آن در اندونزی و نقاط دیگر واقع شده است و اینکه عقل اجتماعی اقتضا می‌کند از نزاع اجتناب و یکدیگر را تحمل کنیم تا شاهد چنین پیامدهای دردناکی نباشیم.

ب) آموزه‌های قرآنی فراوان دربارهٔ تعامل مثبت و هم‌دلانه با غیرمسلمانان؛

ج) سیرهٔ نبوی، خلفا و حاکمان مسلمان پس از ایشان در این باره؛

د) آموزهٔ رستگاری پیروان ادیان دیگر؛

و) آموزهٔ حقانیت ادیان دیگر.

وی در این استدلال‌ها با بهره‌گیری از مبانی نظری زیر، تلاش می‌کند ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را براساس سه مبنای مختلف کثرت‌گرایی اجتماعی، کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه نجات و کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه حقانیت ادیان اثبات کند.

ب) مبانی نظری نورخالص درباره کثرت‌گرایی

اسلام، دین گسترش شفقت و رحمت

منابع دینی از جمله آیات قرآن کریم نشان می‌دهد اسلام دینی است که موجب گسترش رحمت و شفقت روی زمین است و این رحمت اختصاصی به گروه یا دین خاصی ندارد و همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد (انبیاء: ۱۰۷) براین اساس اختلافات دینی، مذهبی، قومی و... نباید مانعی برای این رحمت تلقی شود (Madjid, 2019 D: 458y Madjid, 2019 F: 1983-1984).ⁱⁱ

اسلام، دین عدالت، برابری و درستکاری

اسلام با هیچ رفتار تبعیض‌آمیز و ناعادلانه به دلیل برتری نژادی، طبقاتی، جنسیتی و... همراهی ندارد و خواهان رفتار عادلانه حتی با کسانی است که علاقه قلبی به آن‌ها نداریم یا هم‌کیش ما نیستند. «دشمنی با دیگران، شما (مؤمنان) را به ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است» (مائده: ۸؛ 4095-4098 A: Madjid, 2019 A: 4095-4098; 3: Abidin, 2014: 3).

اسلام، دین جهانی

اسلام دینی جهانی است که خداوند از سوی حضرت محمد (ص) برای همه جهانیان در همه زمان‌ها فرستاده است؛ بنابراین آموزه و دستورات دین خاتم، جهانی‌گرایی اسلامی است و مخاطب آن تمام بشر از نژادها و ملل مختلف در همه زمان‌هاست (سبا: ۲۸)؛ از این رو ارزش‌های اسلامی به‌گونه‌ای است که قابل طرح برای تمامی موقعیت‌ها و شرایط است (Madjid, 2019 F: 2793).

اسلام، تداوم‌بخش ادیان پیشین و کامل‌ترین آن‌ها

اسلام ضمن احترام به همه انبیا و رسولان پیشین الهی، خود را استمراردهنده، تداوم‌بخش و در عین حال تکمیل‌کننده ادیان الهی پیشین می‌داند (بقره: ۱۳۶؛ مائده: ۴۸). بر همین اساس پیامبر

مأمور شد که اهل کتاب را براساس مبنای مشترک (کلمهٔ سواء) آن‌ها دعوت کند (آل‌عمران: ۶۴؛ Madjid, 2019 D: 1156-1159).

اجباری نبودن دین

اگرچه اسلام کامل‌ترین دین است، نمی‌توان آن را به دیگران تحمیل کرد؛ زیرا دین باید از عمق جان برخیزد، وگرنه اساسی‌ترین و عمیق‌ترین ساحت خود یعنی قداست و حقیقت را از دست می‌دهد. افزون بر این، خداوند به‌دلیل ویژگی روح الهی انسان، یعنی آگاهی و قدرت انتخاب، حق انتخاب دین و سبک زندگی را به او اعطا کرده است تا به‌شکلی مسئولانه، درست و نادرست را تشخیص دهد و برگزیند و البته مسئول انتخاب خود خواهد بود (یونس: ۹۹؛ بقره: ۲۵۶). (Madjid, 2019 D: 1156-1159)

کثرت به‌مثابهٔ سنت الهی

کثرت و تفاوت انسان‌ها واقعیتی است که براساس سنت الهی و ارادهٔ خداوند طراحی شده است (حجرات: ۱۳). قرآن کریم این پدیده را امری مثبت و نشانهٔ عظمت الهی می‌داند و مواجههٔ ما با این تمایزات و تفاوت‌ها در زبان، رنگ، پوست و ملیت مردم نیز باید به‌گونه‌ای خوش‌بینانه و احترام‌آمیز باشد. این نوع نگاه به کثرت زمینه‌ساز کثرت‌گرایی می‌شود (روم: ۲۲). دربارهٔ دین و روش زندگی نیز سنت الهی بر آن بوده که چنین تنوعی وجود داشته باشد و باید از آن به‌عنوان امری مثبت و نقطهٔ شروعی برای رقابت به‌منظور دستیابی به کمالات استفاده کرد. «و این کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کردیم؛ درحالی‌که کتب پیشین را تصدیق می‌کند و حافظ و نگاهبان آن‌هاست... ما برای هرکدام از شما، آیین و طریقهٔ روشنی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست، همهٔ شما را امت واحدی قرار می‌داد، اما خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بیازماید (و استعدادهای مختلف شما را پرورش دهد) پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید» (مائده: ۴۸).

بدین ترتیب قرآن کریم، حقوق پیروان سایر ادیان، به‌استثنای دین مبتنی بر بت‌پرستی یا شرک را برای ادامهٔ زندگی و دین‌ورزی به رسمیت می‌شناسد. این مبنای قرآنی برای کثرت‌گرایی فرهنگی اجتماعی و مذهبی است. البته در اندونزی این سنت الهی با عوامل محیطی مختلفی نیز

همراه شده و در نتیجه تنوع‌ها و کثرت‌های فرهنگی اجتماعی بیشتر شده است. طبعاً باید یک الگوی کثرت‌گرایانه‌ای با توجه به شرایط عینی و نیز نقاط اشتراک این کثرت‌ها فراهم آید (Madjid, 2019 D: 480-483; Madjid, 2019 G: 2872).

نیاز بشر به کثرت و کثرت‌گرایی

انسان براساس فطرت الهی آفریده شده است؛ به‌گونه‌ای که به دین که تجسم میثاق اولیه انسان و خداست تمایل ذاتی دارد (روم: ۳۰؛ اعراف: ۱۷۲)، اما در عین حال موجود ضعیفی است (نساء: ۲۸). از جمله نقاط ضعف مهم او تعجیل در تصمیم‌گیری و نیز نگاه محدود و موقت‌نگرانه اوست که او را از دوراندیشی و جامع‌نگری باز می‌دارد و همین موجب خطاهای فراوان او می‌شود (انبیاء: ۳۷؛ اسراء: ۱۱؛ قیامت: ۲۰؛ انسان: ۲۷). یکی از راه‌حل‌های قرآن کریم برای کاهش اشتباهات و دستیابی به نظر درست، بهره‌گیری از مشورت و شوری است (شوری: ۳۸؛ Madjid, 2019 D: 1159-1156). برای دستیابی به چنین نتیجه‌ای لازم است این حق برای دیگری باشد که نظرات خود را آزادانه بیان کند و توسط ما شنیده شود و ما نیز باید با فروتنی و گشودگی آمادگی شنیدن سخن دیگران را داشته باشیم (زمر: ۱۷-۱۸) و این‌گونه است که بنیانی برای رسمیت‌بخشی به دیگری و احترام به آن‌ها فراهم می‌آید (Madjid, 2019 D: 1160).

رواداری و کثرت‌گرایی هدیه‌ای الهی است که می‌تواند سبب رشد تعاملات و تبادلات بین فرهنگی و پیوندهای مدنی بیشتر و متنوع‌تر شود، زمینه‌های اختلاف و جنگ را از میان ببرد، از تعصبات نابجا پیش‌گیری کند و با کنترل، تعادل و توازنی که ایجاد می‌کند موجبات تحقق امنیت و عدالت و پیشرفت را فراهم آورد (Madjid, 2019 A: 4095-4098y Madjid, 2019 D: 1155).

اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با ادیان دیگر

از منظر قرآن کریم، لازمه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مطلوب، به رسمیت شناختن حقوق پیروان دیگر ادیان و مذاهب و رفتار عادلانه با آنان براساس صلح و احترام متقابل است (ممتحنه: ۸). اگرچه ممکن است رواداری و سماحت و عدالت‌ورزی به غیر هم‌کیشان دشوار باشد، موجب

دستیابی به اهداف ارزشمند درازمدت یا ابدی می‌شود (مآئده: ۸؛ Madjid, 2019 D: 1155; (Madjid, 2019 A: 4095-4098

لزوم یافتن نقاط مشترک

پس از پذیرش کثرت و کثرت‌گرایی و تأکید بر لزوم تعامل با دیگران از جمله ادیان دیگر، موضوع مهم، پیگیری برای یافتن نقاط مشترک و به تفاهم رسیدن درباره آن‌هاست. خداوند به پیامبر دستور می‌دهد تا اهل کتاب را به اتحاد در همین نقاط مشترک (کلمه سوا) یعنی اعتقاد به خدای یگانه دعوت کند تا این مبنا موجب هم‌بستگی شود: «بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را -غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد» (آل‌عمران: ۶۴؛ Madjid, 2019 D: 481). این کثرت‌گرایی که براساس کلمه سوا با محوریت خداوند مطرح است، زمینه‌ای بسیار قوی در اندونزی دارد؛ زیرا بیشتر مردم مسلمان هستند و همه مردم پذیرفته‌اند که حول محور پانچاسیلا که حاوی ارزش‌های اساسی اندونزی است اتحاد داشته باشند (Madjid, 2019 D: 505).

سابقه تاریخی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در اسلام

اسلام در تساهل و رواداری با دیگران در مقایسه با غربیان و اروپایی‌ها که قرن‌ها درگیر خشونت و تعصب و عدم رواداری بودند، سابقه تاریخی متقدم و درخشان دارد (Madjid, 2019 D: 488-492). در تاریخ اسلام، نمونه‌های متعددی از تعامل و مدارا به ادیان دیگر وجود دارد. در سنت پیامبر اکرم (ص) پیمان‌های مهمی در مدینه با یهود و دیگران منعقد شد. اهتمام جدی رسول‌الله (ص) به غیرمسلمانان در فرمایش زیر آشکار است: «اگر کسی ظلمی نسبت به اهل ذمه (پیروان ادیان آسمانی که تحت حمایت حکومت اسلامی هستند) روا دارد یا دستوری به آنان دهد که توانایی انجام آن را ندارند یا نقصی بر آنان وارد کند یا مالی را بدون رضایت از آنان بستاند، بازخواست‌کننده او در روز قیامت من هستم» (سجستانی، بی‌تا، ج ۳: ۱۷۰). در میان خلفای راشدین نیز همین رویه تعقیب شد و حاکمان مسلمان پس از آن‌ها در مناطقی مانند اندلس نمونه‌های فراوانی را درباره روش کثرت‌گرایانه اسلامی نشان می‌دهند. این تساهل و

کثرت‌گرایی کلاسیک که بسیاری از محققان را حیرت‌زده کرده است، با تغییرات اندکی در برخی مفاهیم و جنبه‌های عملیاتی آن، می‌تواند به راحتی به صورتی مدرن تبدیل شود (Madjid, 2019 D: 481-493).

اسلام عام و اسلام خاص

اسلام در قرآن کریم بر دو معنای اسلام عام و اسلام خاص اطلاق می‌شود. اسلام عام شامل همه ادیان الهی مانند دین آدم، ابراهیم، موسی و عیسی است. در این تعبیر از اسلام، مؤلفه‌ها و مضامین کلی و بنیادی دین مطرح است که در همه ادیان الهی مشترک است؛ مانند مفهوم توحید که بنیادی‌ترین اصل در دعوت همه انبیاست (شورا: ۱۳؛ بقره: ۱۳۶؛ نحل: ۳۶؛ انبیاء: ۲۵) و مانند مفهوم تقوای الهی که از اساسی‌ترین بخش‌های فرازمانی و مکانی دین است (نساء: ۱۳۱). تقوا یعنی درک حضور خداوند یگانه در همه ساحت‌های زندگی بشر. انسان با تکیه بر این آگاهی و معنویت به اطاعت از فرمان‌ها خداوند دست می‌زند. براساس این معنای «اسلام»، اساس دین، چیزی جز تسلیم و اطاعت محض برای خداوند نیست. «ان الدین عندالله الاسلام» (آل عمران: ۸۵) و همه ادیان الهی از آغاز تاکنون منادی این سخن بوده‌اند، بدون هرگونه تفاوت (Madjid, 1995: 9, 224) و منظور از اسلام در آیه زیر نیز همین معناست: «و هرکه جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران: ۸۵).

اسلام خاص به معنای آخرین نسخه دین الهی است که از سوی خاتم پیامبران محمد مصطفی (ص) آورده شده که علاوه بر آن جهت مشترکی که در همه ادیان الهی وجود دارد، از ویژگی‌های خاصی مانند شریعت و نیز برخی باورها از جمله نبوت و خاتمیت حضرت محمد (ص) برخوردار است و از این جهت با ادیان پیشین همچون مسیحیت و یهودیت تفاوت دارد. در تعبیر قرآنی هرگاه واژه اسلام با ایمان و احسان همراه شود، منظور اسلام خاص است (Madjid, 2019b: 2079- 2080).

نجات و رستگاری پیروان اسلام عام (اهل کتاب)

با توجه به اینکه منظور از اهل کتاب، مسیحیان، یهودیان و صابیان (ر.ک. نساء: ۱۳۱؛ بقره: ۶۲) و در نهایت زرتشتیان هستند، می‌توان گفت اینان افزون‌بر برخورداری از حقوق پیش‌گفته،

در صورت ایمان به خداوند و قیامت و انجام کارهای نیک، اهل رستگاری و نجات نیز خواهند بود. «پیروان حضرت محمد (ص) یهودیان، مسیحیان و صابئان (پیروان یحیی) هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست» (بقره: ۶۲).

براین اساس اگرچه اسلام بهترین و کامل‌ترین دین است، تمسک به هر یک از ادیان توحیدی در صورت برآوردن شرط پیش‌گفته، موجب دستیابی به رستگاری است و به تعبیر دیگر نجات اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه شامل پیروان ادیان الهی دیگر نیز می‌شود که تسلیم و مطیع مطلق خداوند باشند. از پیروان مذاهب انتظار می‌رود به آموخته‌های مذهبی خود به‌طور جدی عمل کنند و آن‌ها را همان‌طور که پیامبرانشان آموزش داده‌اند، به‌کار بگیرند؛ آن‌گونه که قرآن در آیه ۴۴ سوره مائده می‌فرماید: «حتی اگر یهودیان طبق آنچه پیامبرانشان به آن‌ها آموخته‌اند عمل کنند، آنگاه جزو دسته کسانی که تسلیم خداوند هستند (مسلمان) قرار می‌گیرند» (Madjid, 2019 D: 484; Madjid, 2019 b: 2203-2236; Madjid, 2019 C: 2307-2326; Fealy and Hooker, 2006: 453-456).

شمول معنای اهل کتاب نسبت به پیروان ادیان غیرابراهیمی

نورخالص در بحث نجات، تنها به ادیان توحیدی اکتفا نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند با گسترش مفهوم اهل کتاب به پیروان ادیان دیگر مانند هندوئیسم و بودیسم آنان را نیز در امر نجات سهیم کند. وی با بهره‌گیری از نظرات عبدالحمید حکیم، از اندیشمندان اصلاح‌گرای سوماترای غربی توضیح می‌دهد که تعبیر قرآنی اهل الکتاب نه‌تنها یهودیان، مسیحیان و زردشتیان می‌شود، بلکه هندوها، بودایی‌ها، چینی‌ها، ژاپنی‌ها و غیره را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا این ادیان نیز در آغاز توحیدی بوده و دارای پیامبر و کتاب مقدس بوده‌اند، اما همانند مسیحیان و یهودیان از توحید منحرف شدند و بخش‌هایی از کتابشان تحریف شد؛ بنابراین با توجه به فرمایش قرآن مبنی بر برانگیختن پیامبران در میان هر مردمی (یونس: ۴۷) و با توجه به اینکه نام بسیاری از پیامبران در قرآن ذکر نشده و برای ما شناخته نیست (مؤمن: ۴۰ و ۷۸؛ نساء: ۱۶۴) جای تعجب ندارد اگر بودا، لائوتسه، کنفوسیوس و... پیامبران خدا باشند (Madjid, 2019 D: 485; 545-546).

کثرت‌گرایی در حقیقت (پلورالیسم حقیقت)

شاید نتوان قضاوت قاطعی درباره‌ی این موضوع داشت که آیا نور خالص مجید واقعاً معتقد است که همه‌ی ادیان با وضع فعلی خود از حقیقت برخوردارند و معتبرند یا نه، اما از ظواهر برخی تعابیر وی و دیدگاه‌های همراهان و دوستانش که در زمان حیات او چنین دیدگاهی را گسترش می‌دادند، برمی‌آید که به چنین چیزی معتقد است. وی در سال ۲۰۰۱ و در پی حوادث تلخ درگیری‌های فرقه‌ای میان مسلمانان، مسیحیان، هندوان و... بیان کرد: «هر دینی به راه و روش خود برای رسیدن به حقیقت تلاش می‌کند. امید است که پیروان ادیان آموزه‌های دینی را از اعماق قلب خود درک کنند و به آن عمل نمایند» (Fealy and Hooker, 2006:453-456).

و نیز می‌گوید: اسلام، رویکردی شمول‌گرایانه و کثرت‌گرا دارد. فلسفه سنت‌گرا (حکمت خالده) نیز که به‌تازگی در بحث گفت‌وگوی میان ادیان مورد توجه قرار گرفته است، این دیدگاه کثرت‌گرایانه را دنبال می‌کند که هر دینی، تفسیر و تعبیری از ایمان به خداوند است، همچون چرخ دارای پره‌های متعدد که خداوند در مرکز آن و ادیان مختلف همچون پره‌های پیرامونی آن قرار دارد. این ادیان، راه‌های مختلف به سوی خداوند هستند. این فلسفه، دین را به دو ساحت باطن و ظاهر تقسیم می‌کند و معتقد است که باطن تمامی ادیان، یک حقیقت است و تفاوت‌ها تنها در ساحت‌های ظاهری است. به همین سبب این تعبیر گفته می‌شود که «راه‌ها به سوی خداوند بسیار است». براین‌اساس همه‌ی ادیان بر حق خواهند بود (Husaini, 2006: 38-39). بدین‌ترتیب او با تکیه بر این مبانی درصدد اثبات ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز براساس کثرت‌گرایی اجتماعی، کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه نجات و کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه حقانیت ادیان است.

بررسی و نقد

اندیشه‌های نورخالص مجید درباره‌ی کثرت‌گرایی، بر بسیاری از اندیشمندان و مؤسسات فکری و فرهنگی اندونزیایی مانند شبکه‌ی اسلام لیبرال (JIL)، مرکز بین‌المللی اسلام و کثرت‌گرایی (ICIP)، مرکز دین و صلح اندونزی (ICRP)، مرکز مطالعات مذهبی و تمدن (PSAP) محمدیه و شبکه‌ی فکری جوانان سازمان محمدیه (JIMM) تأثیر گذاشت. همراهی برخی از آنان در حد

کثرت‌گرایی اجتماعی و آموزه نجات بود، اما برخی دیگر حتی فراتر از او مدعی نسبیت حقیقت ادیان شدند و این سبب چالش‌هایی از سوی برخی متفکران مسلمان و سازمان‌ها شد. در سال ۲۰۰۵ مجلس‌العلمای اندونزی (MUI) که تشکل رسمی اندونزی است و علمای سازمان‌های دینی اندونزی همچون نهضت‌العلماء، محمدیه، پرسیس و الارشاد در آن حضور دارند، طی فتوایی توسعه‌اندیشه کثرت‌گرایی دینی (براساس حقانیت) را در کنار لیبرالیسم و سکولاریسم برای مسلمانان ممنوع اعلام کرد؛ به این دلیل که لازمه کثرت‌گرایی دینی، برابری اسلام و ادیان دیگر در حقانیت است؛ درحالی‌که این سخن با آموزه‌ها و ایمان اسلامی ناسازگار است. این فتوا از سوی افراد و نیز گروه‌های قابل‌توجهی از مسلمانان به دلیل احساس خطر نسبت به هویت اسلامی و نگرانی از مسیحیان، با استقبال مواجه شد و برخی از آنان، حامیان اندیشه کثرت‌گرایی را غرب‌زده و خطرناک‌تر از غیرمسلمانان دانستند (Basya, 2011: 83).

فارغ از جریان‌ها و افراد موافق و مخالف، لازم است به صورت مستقل به بررسی و نقد قوت‌ها و ضعف‌های دیدگاه کثرت‌گرایانه نورخالص مجید بپردازیم. براین اساس می‌توان گفت اندیشه و طرح نورخالص درباره کثرت‌گرایی دینی نکات مثبت قابل‌توجهی دارد؛ از جمله اعتقاد به کارآمدی دین و لزوم به‌کارگیری اسلام برای رفع مشکلات و بحران‌های معاصر اجتماعی، بهره‌گیری گسترده از منابع دینی در مباحث مربوط، اهتمام به رویکرد عقلی اسلام، مقابله فکری با گرایش‌های سلفی افراطی و نزدیک به وهابیت، تلاش‌های نظری و عملی او و همفکرانش در تحقق صلح و امنیت، حمایت از حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی (از جمله شیعیان)، تأکید بر لزوم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و مذاهب مختلف، ارائه برخی از طرح‌های خوب و قابل‌دفاع و... با این همه، نقدها و اشکالاتی نیز بر این دیدگاه وارد است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

نیازداشتن و مشکل‌آفرین بودن برخی ایده‌ها

همان‌گونه که گفتیم برخی از طرح‌هایی که نورخالص برای حل بحران ارائه می‌دهد، مانند نشان‌دادن جهات مثبت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و نیز پیامدهای ویرانگر نزاع و دشمنی، بهره‌گیری از عقل اجتماعی، آموزه‌های قرآنی، سیره نبوی، خلفا و حاکمان مسلمان پس از

ایشان، بسیار خوب و قابل دفاع است. چنین راه‌حلی حتی بدون استفاده از رویکردهای مدرن قابل تبیین است و در صورتی که به آن عمل شود، می‌تواند به‌خوبی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح پایدار را به‌دنبال داشته باشد، اما استفاده نورخالص از برخی راه‌ها و ابزارهای مفهومی مبتنی بر رویکردهای مدرن دربارهٔ ادیان، مشکل‌ساز است. بهره‌گیری از آموزهٔ نجات و به‌ویژه حقانیت همهٔ ادیان که لازمه‌اش در برخی موارد با تأویل نابجای معنای آیات قرآن همراه است، پیامدهای نظری و عملی نامطلوب و دفاع‌ناپذیری را به‌دنبال دارد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

نقد کثرت‌گرایی حقانیت همهٔ ادیان

یکی از رویکردهای رایج مدرن در غرب برای حل مشکل خشونت اجتماعی و دستیابی به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و کثرت‌گرایی بر مبنای حقانیت و نیز نجات است. نورخالص مجید نیز براساس رویکرد نوتجددگرایانهٔ خود همین مسیر را طی می‌کند؛ اگرچه صراحتش دربارهٔ کثرت‌گرایی حقانیت کمتر از کثرت‌گرایی نجات است. او تلاش کرد این مطلب را با استفاده از برخی آیات قرآن کریم به اثبات برساند و نتیجه بگیرد با توجه به اینکه دیگران هم مانند ما از حقیقت و حقانیت بهره دارند و می‌توانند با مرام خود به رستگاری برسند، دلیلی ندارد که در تعاملات اجتماعی و ارتباطات انسانی، با یکدیگر خشونت بورزیم. بدین ترتیب وی می‌خواهد از کثرت‌گرایی حقانیت به کثرت‌گرایی و مدارای اجتماعی برسد، اما این مسیر به چند دلیل، دچار مشکل است:

باورنداشتن طرفین (مسلمانان و غیرمسلمانان) به حقانیت همهٔ ادیان

بی‌تردید بهره‌گیری از نقاط مشترک مورد قبول طرفین برای حل و فصل نزاع و دستیابی به صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، امری ضروری و بایسته است، اما وحدت حقیقت ادیان و پلورالیسم حقانیت جز در میان برخی نخبگان، نه‌تنها با استقبال مردم درگیر نزاع‌ها مواجه نشد، بلکه در برخی موارد واکنش‌های منفی گستردهٔ آنان را نیز به‌دنبال داشت. ممکن است گفته شود طرح ایشان، مبتنی بر پیشنهاد قرآن کریم (آل عمران: ۶۴) است که اهل کتاب را به مبنای مشترک و

مقبول نزد همه اهل کتاب (توحید) دعوت کرده است. پاسخ این است که اگرچه آیه کریمه به توحید دعوت می‌کند، آنان به تصریح خود قرآن کریم، مسیحیان و یهودیان اهل کتاب مورد نظر قرآن در آن زمان، به خدای یگانه باور نداشته‌اند (ر.ک. توبه: ۳۰؛ مائده: ۷۳). آنچه در آیه ۶۴ سوره آل عمران از آنان خواسته شده، این است که از اعتقادات شرک‌آلود خود مبنی بر حلول خداوند در مریم، فرزندگرفتن خدا، وجود سه اقنوم و مانند آن دست بردارند و به توحید بگردند که آیین واقعی همه انبیای الهی است؛ بنابراین مسلمانان در اصل توحید با آنان مبنای مشترک نداشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۸۹-۳۹۴). حتی اگر فرض کنیم که ادیان ابراهیمی موجود همگی به توحید باور دارند، برای دیگر ادیان اندونزی مانند بودیسم، ادیان چینی و ادیان ابتدایی که یا به خدا باور ندارند یا خدایشان غیرمتعین است و یا شرک در آنها وجود دارد چه توجیهی می‌توان داشت؟

نادیده‌گرفتن نقش اعتقادات در حقانیت دین

یکی از ضعف‌های دیدگاه نورخالیص درباره حقانیت ادیان، این است که نقش چندانی برای اعتقادات کلامی قائل نیست؛ درحالی‌که یکی از ابعاد مهم حقیقت دین، ساحت اعتقادات بنیادین و کلامی مطابق با واقع و صحیح است که اهمیتش کمتر از ساحت عبودیت و تسلیم در برابر خداوند متعال نیست. براین اساس اعتقاداتی مانند توحید با همه شعب و فروعاتش و نیز اعتقاد به معاد و نبوت پیامبر خاتم و... از جمله مؤلفه‌های برساننده حقیقت دین است؛ زیرا این اعتقادات، مبنای موجه‌سازی و شکل‌گیری ایمان و عمل و نیز هدف‌گیری انسان در حیات است. در این زمینه آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که اشاره می‌شود. اگرچه او تلاش می‌کند انتقادات و نکوهش‌های قرآن به مسیحیان و یهودیان را در برخی آیات همچون آیه ۱۲۰ بقره به‌گونه‌ای تفسیر کند که به معنای انکار دیدگاه‌های کلامی و عقیدتی مسیحیان نباشد (Madjid, 2019 C: 2315)، آیات قرآنی صریح دیگری وجود دارد که جای هیچ توجیهی باقی نمی‌گذارد.

برای مثال در آیات ذیل، خداوند به‌صراحت دیدگاه کسانی را که معتقدند خداوند دارای فرزند است یا قدرت محدودی دارد، جاهلانه و نادرست می‌داند و آنان را از عذاب خود می‌ترساند و لعنت می‌کند؛ «نزدیک است آسمان‌ها از این (اعتقاد به فرزندداشتن خداوند)

پاره‌پاره شوند، زمین بشکافد و کوه‌ها به شدت در هم بشکنند و فروریزند!» (مریم: ۹۰؛ رک: کهف: ۴-۵). یهودیان گفتند: «عزیز پسر خداست» و مسیحیان گفتند: «مسیح پسر خداست». این سخنی است که بر زبان دارند که مانند گفتار کافران پیشین است، خدای لعنتشان کند چگونه دروغ می‌گویند؟ (توبه: ۳۰). «یهودیان گفتند که دست خدا بسته است. دست‌های خودشان بسته باد و بدین سخن که گفتند ملعون گشتند. دست‌های خدا گشاده است» (مائده: ۶۴) و نیز در آیه ۷۳ سوره مائده کسانی را که به تثلیث قائل شده‌اند، کافر نامیده است. همان‌گونه که می‌بینیم قرآن کریم ضمن انتقاد جدی به دلیل اعتقادات نادرستشان (و نه مخالفت‌های عملی و دشمنی‌هایشان) آن‌ها را بیرون از منظومه اسلام قرار می‌دهد؛ در نتیجه می‌توان قاطعانه گفت که براساس دیدگاه قرآنی، ادیان موجود دیگر، حداقل به دلیل باورنداشتن به توحید، حقانیت ندارند و مرام و مسلک اینان به دلیل انحراف از توحید حتی از مصادیق اسلام عام هم محسوب نمی‌شوند. البته پذیرفتنی است که برخی گزاره‌ها در هر یک از این ادیان، صحیح باشد، اما دین به مثابه یک مجموعه است و گاهی یک گزاره بنیادین نادرست می‌تواند به حقانیت کل مجموعه آسیب برساند.

تلازم‌نداشتن میان حقانیت همه ادیان و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز

به همان دلایلی که نورخالص در اثبات کثرت‌گرایی اجتماعی نشان داد، می‌توانیم معتقد باشیم که مدارا با پیروان ادیان دیگر، ضروری است، بی‌آنکه به حقانیت دین آن‌ها باور داشته باشیم. مسلمانان می‌توانند به غیرمسلمانان احترام بگذارند، حقوقشان را رعایت کنند، به آنان دل‌بستگی داشته باشند، از آن‌ها در مقابل تجاوز و ظلم حمایت کنند و حتی جان خود را در راه امنیت آن‌ها فدا کنند، بی‌آنکه به حقانیت اعتقادات آن‌ها باور داشته باشند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «اطلاع یافته‌ام یکی از سربازان معاویه به یک زن مسلمان حمله کرده و دیگری به زنی غیرمسلمان که با مسلمانان هم‌پیمان بوده است و سپس طلاهای او را از بدنش به زور بیرون آورده است و زن تنها وسیله دفاعش التماس، خواهش، گریه و درخواست کمک بوده است... اگر مرد مسلمانی از این پس از روی تأسف و غصه بمیرد، سزاوار است و سرزنش نمی‌شود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷: ۶۹).

ایشان در نامه خود به مالک‌اشتر، والی مصر بر مهربانی و عفو به شهروندان تأکید می‌کند: «آنان (شهروندان) دو گروه هستند یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش... پس از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده؛ همان‌گونه که دوست داری خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۲۶). این نداشتن تلازم میان کثرت‌گرایی نجات و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نیز وجود دارد؛ یعنی یک مسلمان می‌تواند با غیرمسلمانان به بهترین شکل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد، بی‌آنکه رستگاری آنان را باور کند (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۸۴). البته آموزه نجات براساس مبانی دینی تا حد زیادی پذیرفته است؛ زیرا افراد غیرمسلمانی که واقعاً تسلیم حقیقت باشند، ولی حقیقت اسلام برای آن‌ها معلوم نشده باشد، دچار عذاب اخروی نخواهند شد (اسراء: ۱۵؛ برای توضیح بیشتر ر.ک: مطهری، ۱۳۷۴: ۲۹۳-۲۹۴).

ترتیب پیامدهای نامطلوب مانند دلخواهانه و بی‌ضابطه از اسلام و انحراف از مسیر اسلام واقعی و هویت اسلامی

نورخالص از سویی معتقد به حقانیت ادیان غیر از اسلام است و از دیگر سو بر آن است که آموزه‌های اسلامی به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش ثابت مانند معنویت‌گرایی، تسلیم در برابر خداوند، عدالت‌طلبی و برابری معنوی و بخش متغیر مانند قواعد حقوقی و احکام شرعی اجتماعی که بر اثر تغییر زمان و مکان و با توجه به شرایط اجتماعی و نیازهای معاصر، قابل‌تغییرند (Madjid, 1970: 4-5; Madjid, 1987: 171-203؛ ر.ک: میری: ۱۳۹۹). چنین رویکردی به دین، زمینه را برای اظهارنظرهای دلخواهانه و بی‌ضابطه از اسلام فراهم کرد که پیامدهای نامطلوبی را به دنبال داشت؛ برای نمونه در کتاب جنجال‌برانگیز فقه بین‌ادیان^۱ که در سال ۲۰۰۴ در مؤسسه پارامدینه زیر نظر نورخالص منتشر شد، موضوع ازدواج مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که یکی از محرّمات قطعی فقه اسلامی اعم از سنی و شیعه است و در قرآن و روایات، ادله فراوانی بر حرمت آن وجود دارد، امری جایز اعلام شد؛ با این توجیه که حرمت این امر در گذشته به دلیل موقعیت آن دوره بوده، نه اکنون که شرایط تغییر کرده است و این‌گونه ازدواج‌ها می‌تواند به شناخت بهتر پیروان ادیان از یکدیگر، بالابردن تحمل و رواداری میان ادیان

و ایجاد محبت و رحمت میان آنان بینجامد و در نتیجه به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و صلح در جامعه متکثر کمک کند (Husaini, 2006: 67-68).ⁱⁱ

اگر این‌گونه گمانه‌زنی‌ها و مصلحت‌سنجی‌های مدرن بخواهد مبنای فتاوی شرعی باشد، از کدام یک از احکام دین حتی ردی باقی خواهد ماند و کدام یک از اعتقادات اسلامی از خطر تغییر مصون می‌مانند؟ افزون بر اینکه با چنین رویه‌هایی، تأثیر اسلام در زندگی اجتماعی و فردی به شدت کاهش می‌یابد و در بهترین حالت، مرز شناخته‌شده‌ای با سایر ایمان‌ها و تجارب دینی دیگر وجود نخواهد داشت و دین، هویت خود را از دست می‌دهد (برای تفصیل ر.ک. میری، ۱۳۹۹؛ Husaini, 2006: 54-60؛ شجاعی‌زند، ۱۳۷۸: ۲۲۰-۲۱۱؛ ۲۲۷-۲۱۹).

گسترش اختلافات میان مسلمانان و رواج خشونت‌گرایی و افراطی‌گرایی

بحث کثرت‌گرایی حقانیت نظریه‌ای واقع‌بینانه نبود؛ از این‌رو نه تنها به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در میان جامعه کمکی نکرد، بلکه بر دیگر تلاش‌های فکری و عملی انسان‌دوستانه نورخالص و یارانش سایه افکند و همان‌گونه که گذشت بسیاری از افراد و گروه‌های مسلمان را به مخالفت واداشت و درمقابل، پیروان کثرت‌گرایی را به واکنش تند وادار کرد؛ به‌گونه‌ای که هنوز دو ماه بیشتر از صدور فتوای مجلس‌العلمای اندونزی (MUI) نگذشته بود که طرفداران جبهه مدافع اسلام (FPI) به دفتر شبکه اسلام لیبرال (JIL) که طرفدار کثرت‌گرایی بود، حمله خشونت‌آمیزی داشتند. روند تعارض‌ها تاکنون همچنان ادامه داشته است (Basya, 2011: 79).^{iv}

نداشتن نگاه جامع به مسئله

نکته دیگری که به نظر می‌رسد نورخالص عنایت لازم به آن‌ها نداشته است، نقش مهم عوامل غیرالهیاتی و غیردینی در پیدایش و گسترش اختلافات و بحران‌هاست. این موضوع را نمی‌توان انکار کرد که دخالت استعمارگران، حمایت‌های برخی کشورهای خاورمیانه از گروه‌های وهابی و سلفی تندرو، دخالت سیاستمداران داخلی برای منافع مورد نظرشان، انتقام‌جویی‌های فردی و گروهی، مشکلات خانوادگی، نیاز مالی اغتشاشگران و بحران هویت در میان عده‌ای از جوانان، زمینه را برای دامن‌زدن و توسعه ناآرامی، اختلاف و... در اندونزی فراهم آورد، اگرچه بسیاری از

اینان، خود را در پشت شعارهای جذاب مدرن یا دینی و اعتقادی پنهان کرده بودند (Husein, 2005: 76-75; Arifianto, 2009,73-75)؛ بنابراین نمی‌توان مسئله را به صورت تک‌عاملی در نظر گرفت. برای حل بحران و دستیابی به هم‌زیستی مطلوب، توجه به این عناصر ضروری است.

تفسیر نادرست معنای اهل کتاب

نورخالص تلاش می‌کند در راستای تحقق و استمرار کثرت‌گرایی فرهنگی و قومی و دینی در اندونزی فهمی خاص از قرآن کریم ارائه دهد. یکی از این موارد تفسیر معنای اهل کتاب به ادیانی غیر از ادیان ابراهیمی مانند بودیسم، ادیان چینی و هندوئیسم است تا بدین‌وسیله توصیه‌های دینی به تعامل با مسیحیان و یهودیان را به پیروان دیگر ادیان نیز سرایت دهد، اما این کار او از چند جهت مشکل دارد:

الف) اگرچه در ادیان شرک‌آلود اعم از هندوئیسم رگه‌هایی از عقاید توحیدی وجود دارد و احتمالاً این معارف از انبیا یا پیروان موحد آنها به یادگار مانده است، این امر موجب نمی‌شود که پیروان فعلی این ادیان را اهل کتاب بنامیم؛ زیرا این معارف توحیدی تنها بخشی ناچیز از مجموعه معارف این ادیان است و عمده مطالب فعلی آنان، مشرکانه، جعلی، خرافی و مبتنی بر اسطوره است. همچنین در اساس معلوم نیست آن انبیا کتابی داشته‌اند یا اینکه پیام‌هایشان شفاهی بوده است. در چنین وضعیتی چگونه می‌توان آنان را اهل کتاب نامید؟

ب) اگر بخواهیم چنین ادیانی را دین مبتنی بر کتاب آسمانی بدانیم، با توجه به اینکه دست‌کم در میان برخی از این ادیان، شرک به شکلی آشکار وجود دارد، چه تفاوت اساسی میان این ادیان با شرک موجود در جاهلیت شبه‌جزیره عرب خواهد بود و چرا ما آنها را نیز اهل کتاب ندانیم؟ زیرا به شهادت قرآن کریم در میان اعتقادات آنان هم معارف توحیدی وجود داشته است که قاعدتاً ناشی از دین ابراهیم (ع) و سایر انبیا بوده است. در قرآن کریم در موارد متعدد به صراحت ذکر شده است که مشرکان حجاز در زمینه خالقیت جهان و موجودات آن، معتقد به توحید بوده‌اند و بر همین اساس از آنها خواسته شد که در پرستش خداوند نیز به توحید قائل شوند (عنکبوت: ۶۱؛ زمر: ۳۸؛ زحرف: ۹ و ۸۷؛ لقمان: ۲۵)؛

بنابراین براساس منطق نورخالص مجید آنان نیز باید اهل کتاب باشند؛ درحالی‌که یقیناً این مشرکان در فرهنگ دینی، اهل کتاب محسوب نمی‌شوند (بقره: ۱۰۵)

ج) برای دستیابی به نظریه‌ای مناسب به‌منظور صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نیازی به گسترش مفهوم اهل کتاب نیست؛ زیرا برخی دلایلی که نورخالص نیز به آن‌ها استناد کرد، می‌تواند به‌آسانی شامل تعامل با همه انسان‌ها حتی مشرکان شود.

نتیجه‌گیری

اندونزی بیشترین جمعیت مسلمان دنیا را در خود جای داده و در عین حال از گسترده‌ترین تنوعات دینی، قومی و فرهنگی برخوردار است. این تنوع در کنار مزیت‌های قابل‌توجه، بحران‌ها و چالش‌هایی را مانند برخوردها و درگیری‌های خشونت‌آمیز دینی و قومی به‌دنبال داشته است. عواملی چند در رشد و گسترش این اختلافات نقش داشته‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از حضور استعمارگران پرتغالی و هلندی در این منطقه و رفتار نامناسب و تحقیرآمیزشان با مردم، حمایت‌های استعمار هلند در برخی مقاطع از فعالیت‌های تبشیری مسیحیان و کلیساسازی، سیاست‌های نادرست دولت سوهارتو در ایجاد فضای باز برای فعالیت‌های گرایش‌ها و جریان‌های سلفی تندرو و وهابی و نیز حمایت عربستان سعودی.

نورخالص مجید با احساس مسئولیت در برابر این بحران، تلاش کرد با تکیه بر رویکرد نومدرنیستی خود، در حل مشکل نبود هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نقش داشته باشد. حاصل کار او تفسیری از اسلام اندونزیایی است که می‌خواهد با پذیرش کثرت‌های قومی و دینی، دموکراسی، جامعه مدنی و کثرت‌گرایی، موجبات تحقق صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و ادیان موجود و نیز شکل‌گیری اندونزی مدرن را فراهم آورد. وی با استفاده از عقل اجتماعی، آموزه‌های قرآنی، سیره نبوی، خلفا و حاکمان مسلمان به اثبات ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پرداخت و تلاش کرد براساس سه مبنای مختلف، یعنی کثرت‌گرایی اجتماعی، کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه نجات و کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه حقانیت ادیان، این ضرورت را مدلل و موجه سازد. وی معتقد است اسلام به‌عنوان دینی جهانی بر گسترش عدالت، برابری، شفقت و رحمت و نیز حق انتخاب دین و سبک زندگی توسط خود انسان تأکید

می‌کند و تنوع و کثرت ادیان و نیز اصل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و رفتار عادلانه براساس صلح و احترام متقابل با پیروان سایر ادیان به‌ویژه ادیان توحیدی را به رسمیت می‌شناسد. نتیجه این مبانی نظری، به‌طور طبیعی، نظریه کثرت‌گرایی اجتماعی اسلامی خواهد بود. او بیان می‌کند تاریخ اسلام از زمان رسول خدا تا زمان خلفا و حاکمان اسلامی بعدی، شواهد فراوانی درباره چنین رویکردی به ما نشان می‌دهد که با تغییرات اندکی در برخی مفاهیم و جنبه‌های عملیاتی آن می‌توان از آن به‌آسانی برای روزگار معاصر بهره گرفت. او تلاش می‌کند با استفاده از آیات قرآنی نشان دهد اسلام به معنای عام، شامل سایر ادیان توحیدی مانند مسیحیت و یهودیت نیز است و حتی می‌توان پیروان ادیان غیرتوحیدی مانند بودیسم و هندوئیسم را مشمول عنوان قرآنی «اهل کتاب» دانست تا بدین وسیله هم کثرت‌گرایی اجتماعی را تثبیت کند و هم زمینه‌ای برای کثرت‌گرایی نجات و حقانیت فراهم آورد. به باور او اگرچه اسلام بهترین و کامل‌ترین دین است، اهل کتاب در صورت ایمان به خداوند و قیامت و نیز انجام کارهای نیک، اهل رستگاری و نجات خواهند بود.

درباره کثرت‌گرایی حقیقت دیدگاه او متمایل به فلسفه سنت‌گرا (حکمت خالده) است؛ مبنی بر اینکه همه ادیان، راه‌های مختلف به سوی خداوند هستند و باطن تمامی آن‌ها را یک حقیقت تشکیل می‌دهد. براین اساس همه ادیان برحق خواهند بود. بدین ترتیب او با تکیه بر مبانی پیش‌گفته درصدد اثبات ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز براساس کثرت‌گرایی اجتماعی، کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه نجات و کثرت‌گرایی مبتنی بر آموزه حقانیت ادیان است. در بررسی و نقد اندیشه کثرت‌گرایی دینی نورخالص مجید باید گفت در این دیدگاه نکات مثبت قابل توجهی، از جمله اعتقاد به کارآمدی دین در رفع بحران‌های معاصر اجتماعی، بهره‌گیری گسترده از منابع دینی، اهتمام به رویکرد عقلی اسلام، مقابله فکری با گرایش‌های سلفی افراطی، تلاش برای تحقق صلح و امنیت، حمایت از حقوق اقلیت‌های دینی، مذهبی و... وجود دارد. با این همه، نقدها و اشکالاتی نیز بر این دیدگاه وارد است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود:

یکی از نکات قابل‌نقد این طرح فکری، بهره‌گیری از دیدگاه کثرت‌گرایی براساس حقانیت همه ادیان برای دستیابی به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است، اما این دیدگاه از چند جهت قابل‌نقد

است؛ زیرا جز تعدادی از نخبگان، گروه‌ها و افراد درگیر بحران (مسلمانان و غیرمسلمانان) این نظریه را نپذیرفتند و در برخی موارد واکنش‌های منفی گسترده و خشونت‌آمیزی را به آن نشان دادند و در نتیجه این طرح در عمل با موفقیت روبرو نشد. همچنین این طرح به دلیل نادیده گرفتن نقش اعتقادات در حقانیت دین نمی‌توان دیدگاهی حقیقتاً اسلامی باشد؛ زیرا از منظر قرآن کریم، یکی از ابعاد مهم حقیقت دین، ساحت اعتقادات کلامی بنیادین مطابق با واقع است. (ر.ک. مریم؛ ۹۰؛ کهف: ۴-۵؛ توبه: ۳۰؛ مائده: ۶۴ و ۷۳). در این آیات، قرآن کریم به صورت شدید و صریح، بطلان اعتقادات و در نتیجه انحراف برخی مسیحیان و یهودیان را از دین اعلام می‌کند. نکته بعد اینکه اساساً ملازمه‌ای میان حقانیت و نیز رستگاری با هم‌زیستی مسالمت‌آمیز وجود ندارد. یک مسلمان می‌تواند با غیرمسلمانان به بهترین شکل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد، بی‌آنکه به حقانیت دین و رستگاری آنان باور داشته باشد. نکته آخر اینکه چنین تفسیرهایی از قرآن و اسلام، موجب پیامدهای نامطلوبی مانند فهم دلخواهانه و بی‌ضابطه از اسلام می‌گردد؛ به گونه‌ای که حتی احکام قطعی و مسلم دینی و نیز هویت دین از آسیب اضمحلال مصون نمی‌مانند.

مشکل دیگر طرح ایشان، نداشتن نگاه جامع به عوامل بحران نبود هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. نورخالص توجه لازم به عوامل غیرالهیاتی و غیردینی مانند دخالت استعمارگران، دخالت برخی کشورهای خاورمیانه و نیز سیاستمداران داخلی برای منافع مورد نظرشان، انتقام‌جویی‌های فردی و گروهی، بحران هویت در میان عده‌ای از جوانان و... را نداشته است؛ درحالی‌که برای حل بحران و دستیابی به هم‌زیستی مطلوب، توجه به این عناصر ضروری است. انتقاد دیگر بر این دیدگاه، تفسیر نادرست معنای اهل کتاب است. او تلاش می‌کند معنای اهل کتاب را به ادیانی غیر از ادیان ابراهیمی مانند بودیسم و هندوئیسم تطبیق دهد تا بدین وسیله توصیه‌های دینی به تعامل با مسیحیان و یهودیان به پیروان دیگر ادیان گسترش یابد؛ درحالی‌که چنین سخنی پذیرفتنی نیست؛ زیرا بیشتر اعتقادات و مطالب مکتوب آنان مشرکانه و اسطوره‌ای و خرافی است و اساساً معلوم نیست این ادیان، کتابی الهی داشته‌اند. همچنین لازمه این سخن آن است که مشرکان حجاز را نیز اهل کتاب بدانیم؛ درحالی‌که این برخلاف آیات قرآن کریم است. افزون بر این، با توجه به ادله کثرت‌گرایی اجتماعی پیش‌گفته برای ارائه نظریه‌ای مناسب به منظور صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نیازی به این‌گونه تفسیرها از مفهوم اهل کتاب نیست.

منابع

قرآن کریم

پارسایا، حمید (۱۳۸۴). بررسی پلورالیسم اجتماعی جان هیک از دیدگاه امام خمینی. قیاسات، (۳۷)، ۱۰۵-۱۲۰.

سجستانی، سلیمان (بی تا). سنن ابی داود. بیروت: المكتبة العصرية.

شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۸). عرفی شدن دین، فرد، جامعه. فصلنامه نقد و نظر، (۲۱)، ۱۸۸-۳۲۱.

شریف الرضی، محمدبن‌الحسین، نهج‌البلاغه (۱۴۱۴). تصحیح صبحی صالح. چاپ اول. قم: نشر هجرت.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

علی‌اکبر (۱۳۹۲). اسلام و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز. تهران: نشر به‌آفرین.

لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۹). اسلام و کثرت‌گرایی دینی. ترجمه نرجس جواندل. قم: مؤسسه فرهنگی طه.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار. جلد اول. تهران: انتشارات صدرا.

میری، محسن (۱۳۸۸). وهابیت در اندونزی. پژوهش‌های منطقه‌ای، (۱)، ۱۵۱-۱۴۱.

میری، محسن (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی نوتجدگرایی (نومدرنیسم) اسلامی از منظر دکتر نور خالی مجید. مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، (۱۲)، ۱۵۴-۱۳۱.

نوثر، دلیار (۱۳۷۰). نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی. ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدرپور. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

Abidin, Z. (2014). Teologi Inklusif Nurcholish Madjid: Harmonisasi antara Keislaman, Keindonesiaan, dan Kemoderenan. *Humaniora Binus*, 5(2), 665-684.

Arfa, F. A. (2014). Problems of pluralism in modern Indonesian Islam. *Journal of Indonesian Islam*, 8(2), 209-234.

Arifianto, A. R. (2009). Explaining the cause of Muslim-Christian conflicts in Indonesia: Tracing the origins of Kristenisasi and Islamisasi. *Islam and Christian-Muslim Relations*, 20(1), 73-89.

Audi, R. (Ed.). (1996). *The Cambridge Dictionary of Philosophy*. Cambridge: Cambridge University Press.

Basinger, D. (2020). *Religious diversity (Pluralism)*. Stanford Encyclopedia of Philosophy. Retrieved from URL = <<https://plato.stanford.edu/entries/religious-pluralism/#ReliDiveReliTole>>

تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۱۰/۲

- Basya, M. H. (2011). The concept of religious pluralism in Indonesia: a study of the Mssss aatwa and hfe deba among Mummmuchossss *Indonesian Journal of Islam and Muslim Societies*, 1(1), 69-93.
- Fealy, G., & Hooker, V. (2006). *Voices of Islam in Southeast Asia: A contemporary sourcebook*. Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
- Husaini, A. (2006). *Liberalisasi Islam di Indonesia: fakta & data*, Jakarta: Dewan Da'wah Islamiyah Indonesia.
- Husein, F. (2005). *Muslim-Christian relations in the new order Indonesia: The exclusivist and inclusivists Muslims' perspectives*. Bandung: Mizan Pustaka.
- Luthfi, A. (2007). The diffusion of Middle Eastern Radicalist ideas to Indonesia. *Jurnal Falsafah Dan Agama Universitas Paramadina*, 1(1), 1-32.
- Madjid, N. (2019 A). *Cendekiawan dan Religiusitas*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Madjid, N. (2019 B). *Islam Agama Kemanusiaan*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Madjid, N. (2019 C). *Islam Agama Peradaban*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Madjid, N. (2019 D). *Islam Doktrin dan Peradaban*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Madjid, N. (2019 E). *Kaki Langit Peradaban Islam*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Madjid, N. (2019 F). *Pintu-Pintu Menuju Tuhan*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Madjid, N. (2019 G). *Tradisi Islam*, in *Karya Lengkap Nurcholish Madjid*. B. Munawar-Rachman (Ed.). Jakarta: Nurcholish Madjid Society.
- Saeed, A., & Johns, A. H. (2004). *Nurcholish Madjid and the interpretation of the Qur'an: Religious pluralism and tolerance*. London: Oxford University Press.
- Sofjan, D. (2016). Minoritization & criminalization of Shia Islam in Indonesia. *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, 39(2), 29-44.
- Taufani, T. (2018). *Keluar dari Rongsokan Sunni-Syiah: Membaca Pemikiran Ahmad Syafii Maarif, dalam Merawat Kewarasan Publik: Refleksi Kritis Kader Intelektual Muda tentang Pemikiran Ahmad Syafii Maarif*. Indonesia: Maarif Institute for Culture and Humanity.
- Madjid, N. (1987). *Islam Kemodernan dan Keindonesiaan*. Bandung: Mizan.
- Madjid, N. (1970). *Pembaharuan Pemikiran Islam*. Jakarta: Islamic Research Centre. Retrieved from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/pluralism>.

(تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۱۰/۲)

پی‌نوشت:

^۱. پانچاسیلا (Pancasila) فلسفه بنیادین دولت اندونزی و مرکب از پنج اصل است. این اصطلاح که ریشه در زبان جاوه دارد، از دو واژه پنج (پنج) و سیلا یا اسیلا (به معنای اصول) ترکیب یافته است. این اصول عبارت‌اند از باور به یک خدای یگانه، بشریت عادل و متمدن، اندونزی واحد، دموکراسی مبتنی بر خرد نمایندگان مردم و عدالت اجتماعی برای همه اندونزیایی‌ها.

ⁱⁱ. شعار بسیاری از گروه‌های معتدل و نیز لیبرال مسلمان در اندونزی تعبیر «الاسلام رحمه للعالمین» است و اسلام اندونزیایی را برخوردار از چنین ویژگی‌ای می‌دانند. آنان برای بحث در این باره سمینارها و نشست‌ها برگزار کرده و کتاب‌ها و مقاله‌ها نوشته‌اند.

iii. مسئله تنها به این مورد ختم نشد، بلکه در زمان‌های بعد موارد مشابه دیگری نیز مطرح شد. ان‌شاءالله در بحثی درباره «اسلام لیبرال در اندونزی» بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

^{iv}. مسئله تأثیر پلورالیسم حقانیت دینی بر تحمل و مدارای اجتماعی، به لحاظ نظری نیز مورد اشکال برخی فیلسوفان دین قرار گرفته است؛ برای نمونه ویلیام لین کریگ، رابرت مک‌کیم و کیت یاندل در نقد کوین، معتقدند چنین امری به‌جای آنکه موجب رواداری شود، به احتمال بیشتر می‌تواند سبب عکس‌العمل تند و تساهل کمتر متدینان به ادیان دیگر شود (Basinger, 2020).

